



۲۰۱۷/۰۱/۲۰

ملالی موسی نظام

به ارتباط مضمون والای «دلیل این تغییر چیست»

برادر نهایت دانشمند آقای هاشم سدید، سلام بر شما،

بعد از عرض احترامات، همان طور که تیلفونی هم بیان نمودم، من مضمون ارزشمند، تحقیقی و نهایت آموزنده

تحت عنوان «**دلیل این تغییر**

نمودم و البته که من حیث یک غنای

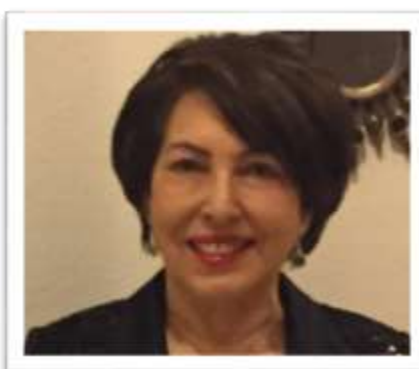
و حفظ هم کرده ام. آنچه سبب

اضافی در مورد مضمون متذکره

است که نه تنها انسان را به تفکر

ای از بیان مقاله وا میدارد، بلکه

تکرار آن، ذهن و قضاوت انسان



و در خور مباحثه شما را

چيست» بار بار مطالعه

معتبر جدال فلسفی، آنرا چاپ

اینهمه بستگی فکری و دقت

گرفته است، نکات متعددی

بیشتر و تعمق در هر گوشه

در مجموع بعد از مطالعه

در شرایط خاص طرف گیری با خود هم قرار می گیرد؛ طوریکه باورمندی آدم زیر سوال می رود.

در چنین یک حالتی با نظر داشت و باور جنبه های تأریخی موضوع، با پیشکش خردمندانه امثله و معرفی

خردمندان و متفکرین برگزیده قرن های عالم اسلام در سطح حکمروایی وسیع جهان اسلام و اثبات اضمحلال

تمدن غرب و شگوفایی عصر عروج و ترقی اسلامی، به سوالی مواجه میگردیم که آیا واقعاً ما «**مثلاً من**» دقیقاً

علت العلل آنچه عصر طلایی اسلامی و ترقی و تعالی بی چون و چرای سرزمین های متعلقه به آنرا چنان با

شکوه و متمدن ساخت، روحیه همکاری، روا داری، ایمان به آموزش و اعتلاء آن، روش والای هم زیستی

مسالمت آمیز، آسان گیری در روابط بین الانسانی، آموختن و آموزاندن و البته تشویق، یاری و مدد حکمروایان

و اولیای امور ممالک متبوعه، می دانیم که در گوشه های پراگنده آن جهان، ایمان و عقیده جدیدی را با امتیازات

و مزایای پسندیده ای تجربه میکردند؟!

انگیزه قیمت دار همزیستی مسالمت آمیز که حتی با وجود باور به دشمنی یهود و مسلمان از همان آغاز اسلام که

منجر به اتفاقات مترقی و شگوفایی و علم آموزی از داشته های معتبر طرفین میگردید که فتح «**اندلس**» و نشر

اسلام در آن مقطع عالم، جزئی از آن بشمار می رود، ایجاد پوهنتون و مراکز فرهنگی در اقصی نقطه افریقای

شمالی یعنی سرزمین «**مراکش**» که با نهایت همبستگی های خردمندانه باعث تعالی علم و انتشار آن در بلاد

اسلامی گردید، در حقیقت بعد مسافه، عنعنات و کلتور گوناگون هیچ کدام مانع ارتقاء جوامع اسلامی در همه

امور اعم از معتقدات دینی، پیشبرد تجارت و مسائل مالی، تشکیل مراکز علمی و آموزشی نگردید، بلکه سرزمین

های مربوطه و وابسته به حلقه وسیع کلتور اسلامی را با علت العلل آشکارای غیر قابل انکار، به ارتقاء و تعالی سوق داد.

در حالیکه امروز جهان غرب با سر افرازی از ترقی و پیشرفت اجتماعی در رفاه و آسایش، امکانات هر نوع نو آوری و باور به تمدن و احترام به حقوق بشر را آزمایش می نماید، در ممالک اسلامی که خود قرن ها پیش قراولان و علم برداران دانش و نو آوری ها در جوامع غربی بودند، در قرون و علی الخصوص در چند دهه اخیر که بدون تردید با حرکت قهقرایی و بازگشت به یک عصر تاریکی، گویا به قول استاد سخن، خلیلی افغان «در خاک شان خیمه فروهشته شب تار»، ملل در بدبختی و سوک مصائبی قرار دارند که پایانی نمی توان برای آن متصور گشت. آنچه در افغانستان عزیز، عراق، یمن، سوریه میگذرد، روی تاریخ و هرچه تمدن وابسته به آن بوده، سیاه گردیده است. در چنین حالات تراژیدی و انهدام انسانیت و تعالی، این اسلام و مسلمان است که نقاب سیاه آشفته‌گی سرزمین های خود را بر چهره دارد. بلی پلان و پالیسی های منفعت جویانه غرب هم در تولید چنین ماجرای بربادی ملل اسلامی و تخریب بنیادی سرزمین های شان، سخت مؤثر است، حالت زار و فئای بنیادی افغانستان، عراق، سوریه و امثال آن مشتتست نموده خروار؛ موجودیت و تربیت طالب و داعش، البته که به غرب و تمویل و پلان آن در ارتباط است؛ ولی مگر ما خود در چنین فاجعه المناک قرن سیم و ملامت نیستیم؟ متوجه نمیگردیم که از چه اوجی به چه حضيضی فرو غلطیده می رویم؟ مگر در سیاه روزی و فئای جوامع ما ارزش علم و مدنیت جای خود را به بی دانشی، دهشت و وحشت نداده است و جنایات و مظالم رو به ازدیاد، هر روز شکل نوی بخود نه می گیرد؟ آیا در شرایط حاد موجوده، راه نجاتی و آینده روشنی از لابلای فاجعه بی انتهای مسلمان کشی و انسان کشی، جهل و افراطیت، تفرقه و شقاق به نظر می رسد؟ نمیرسد!

بلی برادر معزز، همان طور که فرموده اید، همه علت العلل در بروز چنین تراژدی انسانی و انهدام داشته های گرانبهای اسلامی، موجودیت تعصبات خشک، افراطیت، جهل، مطلق العنانی در مفکوره و عقاید و بالاخره عدم بستگی صادقانه ملت ها در نفس جوامع اسلامی است. این وحدت و همبستگی ملی است که از هم می پاشد و همه داشته های ارزشمند انسانی و اسلامی را با خود نابود می نماید. هیئات!

پایان